

بردگی کارگران زیر سایه آسمان خراش‌های امارات متحده عربی

دوبی، شهری آرمیده بر شن‌های داغ خلیج فارس، با آن برج‌های سر به فلک کشیده، مراکز تفریحی و بازارهای رؤیایی، بیشتر به شهری می‌ماند که از افسانه‌های هزار و یک شب سر بیرون آورده و پا در قرن بیست و یکم سر نهاده است. شهری که رؤیاهای دست‌نیافتنی را به حقیقتی دم دست بدل کرده است. کمتر جوان ایرانی (یا خارجی) را می‌توان یافت که رؤیای سفر به شهر رؤیایها را در سر نپرورانده باشد. افسوس و صد افسوس که برای سفر به شهر افسانه‌های هزار و یک شب، ثروتی هنگفت لازم است و غول چراغ جادویی نیز در کار نیست تا به این آرزو برای کارگران جوان جامه عمل بپوشاند. این تنها تن‌پرورانی از جنس ریچ کیدز آو تهران هستند که از چنین لذتی برخوردار می‌شوند. از همین رو برای کارگران جوان، نه فقط در این مرز و بوم، بلکه در بسیاری از کشورها، همچون هند، بنگلادش، پاکستان و ... خیالی در دسترس‌تر باقی می‌ماند: سفر به دوبی به امید یافتن کاری با درآمد پر و پیمان.

نه فقط برای این جوانان، بلکه برای بسیاری از ایرانیان، امارات و قطر چیزی بیشتر از سرزمین رؤیایها هستند. ما امارات را نه تنها کشوری با «میزان فقر صفر» می‌شناسیم، بلکه این کشور نماد و آینه‌ای از سیه‌روزی سرزمین‌مان است. قریب به نیم قرن پیش، آن زمان که «ایران شاهنشاهی» قلعه‌های رفاه و توسعه را فتح می‌کرد، امارات متحده عربی سرزمینی بود با بندرهای خاکی و ماهی‌گیران ژنده‌پوش. امروز که «مردم سیه‌روز ایران» در فقر و تنگدستی روزگار می‌گذرانند، شهروندان امارات در رفاه و سعادت زندگی می‌کنند، در ایده‌آل‌ترین شهر روی زمین. تازه، در همسایگی‌شان، کشور قطر نیز میزبانی جام جهانی را کسب کرده است. سرزمین ژنده‌پوشان دیروز به مقصدی برای کارگری ایرانیانی بدل شده که ۵۰ سال پیش، قلعه‌های ترقی را طی می‌کردند. نه فقط امارات متحده عربی، بلکه کویت و قطر نیز به مصداقی برای سیه‌روزی شهروندان ایران، این سرزمین غنی از ثروت‌های خدادادی بدل شده‌اند.

آنچه در بالا شرحش رفت، کم و بیش تصویری است که بیشتر ما روزانه در فضای مجازی یا فضاهای عمومی به آن برمی‌خوریم. احتمالاً برای بسیاری از ما نیز این تصویری جا افتاده از امارات است. مضمون به گوش آشنایی است که در «این چهل سال چه به سر ایرانیان آمد که امروز باید برای کارگری به کشوری بروند که مردمانش ۵۰ سال پیش، آرزوی زیستن در سرزمین متمدن آریامهری را داشتند». بسیاری از تحلیل‌گران نیز از معجزه اقتصادی در سایه مدیریت خردمند رهبر امارات، خلیفه بن زاید آل نهیان سخن می‌رانند.

خوب، اجازه بدهید ببینیم این معجزه اقتصادی و مدیریت خردمندانه، دقیقاً چه بوده است. سپس ببینیم دقیقاً چه بر سر ایرانیان آمده است که امروز ناگزیرند برای کارگری آواره کشورهای حاشیه خلیج فارس شوند.

معجزه اقتصادی یا معجزه آمار؟

اگر سری در صفحات اینستاگرامی و توئیتری بچرخانیم، به کرات با این جمله روبه‌رو می‌شویم که نرخ فقر در امارات صفر است. این البته خبر صحیحی است. طبق اعلام بانک جهانی، کشور امارات متحده عربی در رتبه اول جهان در مبارزه با فقر قرار دارد و نرخ فقر در این کشور صفر است. یعنی هیچ شهروند اماراتی به نان شب محتاج نیست. همچنین نرخ مرگ و میر نوزادان در این کشور ۱۰ نوزاد از هر ۱۰۰۰ نوزاد است. این کشور همچنین یکی از پیشرفته‌ترین سیستم‌های آموزشی در خاورمیانه را دارا است به نحوی که ۹۸ درصد از شهروندان این کشور با سواد هستند. امارات متحده عربی همچنین یکی از بالاترین سرانه‌های درآمدی را در جهان دارد. سرانه درآمد شهروندان این کشور به ۴۷۰۰۰ دلار در سال می‌رسد. رقمی که در مقایسه با ایران خیلی بالا است. اخبار خوبی است نه؟ از همین رو است که بسیاری تصور می‌کنند، با سفر به کشور امارات و یافتن کاری در آنجا از فقر و بدبختی خلاصی می‌یابند.

اما آمار و ارقام می‌توانند بسی فریبنده باشند. اجازه دهید کمی در این آمار و ارقام دقیق شویم. یعنی با جزئیات بیشتری وضعیت را بررسی کنیم. ما از همان ابتدا واژه شهروند را برجسته کردیم. به دلیل آنکه کشور امارات نزدیک به ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارد. از این تعداد تنها ۱/۱ میلیون نفر شهروند این کشور محسوب شده و بقیه جمعیت (۸۸ درصد) را کارگران مهاجر تشکیل می‌دهند. این کارگران بخش عمده نیروی کار این شبه جزیره کوچک را تشکیل می‌دهند که در بخش خدمات، در نیروگاه‌ها، صنایع نفت و گاز و غیره به تولید ثروت مشغول هستند. موفقیت تدابیر شیخ خلیفه در ۵۰ سال گذشته در این بوده که توانسته با بهره‌کشی از نیروی کار ارزان مهاجران کشورهای خاورمیانه و آسیای شرقی، شهروندان خود را از فقر مطلق نجات دهد. اجازه دهید آن ۹ میلیون کارگر را عجلتاً از بررسی کوتاه اقتصادی‌مان کنار نهمیم و به اوضاع آن «شهروندان سعادت‌مند» بپردازیم.

گفتیم سرانه درآمد در امارات متحده عربی قریب به ۴۷۰۰۰ دلار در سال است. اما سهم شهروندان امارات از این درآمدها یکسان نیست. قریب به ۱۰ درصد از شهروندان امارات، یعنی ۱۰۰ هزار نفر، بیش از نیمی از درآمدهای سالانه را به دست می‌آورند. ماجرا هنگامی جالب می‌شود که بدانیم از ۱ میلیون نفر باقی مانده، بیش از نیمی‌شان، یعنی قریب به ۵۰۰ هزار نفر از شهروندان رسمی تنها ۱۰ درصد از کل این درآمدها را در اختیار دارند. یعنی سالانه تنها ۹۴۰۰ دلار معادل ۲۵ دلار در روز درآمد ۵۰۰ هزار نفر از شهروندان اماراتی است.^۱ خط فقر در امارات متحده چیزی حدود ۲۲ دلار در روز (۸۰ درهم) است. به این اعتبار، آنچه که ریشه‌کنی فقر در امارات نامیده می‌شود، زیست نیمی از شهروندان این کشور در سایه‌روشن فقر است. این درحالی است که ما هنوز به وضعیت آن ۷/۵ میلیون کارگر مهاجر نگاه نکرده‌ایم.

پس نخستین چیزی که درباره «فقر صفر» در امارات می‌آموزیم این است که تنها یک میلیون نفر از جمعیت این کشور، یعنی کسانی که رسماً شهروند محسوب می‌شوند، درآمدهای بالای خط فقر دارند و تازه هنوز نیمی از این جمعیت در مرز فقر زندگی می‌کنند. واضح است که نیمی از شهروندان امارات، به همراه تمامی آن ۹ میلیون کارگر مهاجر بهره‌ای از شهر رؤیاهای جهان، مسابقات جام جهانی و به‌طور کلی «دست‌آوردهای» شیخ خلیفه نخواهند برد. خوب، می‌بینیم که آمار و ارقام می‌تواند بسیار فریبنده باشد.

حال بیایید به وضعیت کارگران مهاجر در امارات متحده عربی نگاهی بیندازیم. اتباع مهاجر، ۹۵ درصد از نیروی کار امارات را تشکیل می‌دهند. نیروی کاری که ثروت هنگفت این کشور را تولید می‌کند. رفاه بخش کوچکی از شهروندان امارات از رهگذر استثمار شدید این کارگران تأمین می‌شود. وضعیت کارگران مهاجر در امارات متحده عربی، هم‌چون دیگر کشورهای عربی، وضعیتی شبیه به زندگی در شرایط بردگی است. مهاجرت کارگر به این کشورها تحت نظامی حقوقی به نام *کفالت* صورت می‌پذیرد. طبق این نظام حقوقی، کارگر مهاجر می‌بایست تحت کفالت یک شهروند امارات قرار بگیرد. این شهروند کفیل محسوب می‌شود. گذرنامه و مدارک هویتی کارگر در اختیار کفیل قرار گرفته و دستمزد کارگر نه به او بلکه به کفیل پرداخت می‌شود. کارگران در زاغه‌ها و حلبی‌آبادهایی زندگی می‌کنند که کوچک‌ترین تشابهی با آن زرق‌وبرقی که در رسانه‌ها از دوبی می‌بینیم ندارند. اغلب ۱۰ یا ۱۲ کارگر در اتاق‌های ۲۰ متری شب را به صبح می‌رسانند.^۲ وضعیت بهداشتی فاجعه‌بار است. درآمدها بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ دلار در ماه است که بسیار کمتر از خط فقر در امارات است. تازه کارگر باید بخشی از این پول را پس‌انداز کند تا برای خانواده‌اش در کشوری دیگر بفرستد. این یعنی نانی بخور و نمیر برای ۱۲ ساعت کار طاقت‌فرسا در گرمای ۵۰ درجه‌ای. وضعیت زنانی که برای کار خانگی یا همان کلفتی به امارات می‌روند، فاجعه‌بارتر نیز هست. این زنان نه تنها تحت استثماری در حد بردگی قرار می‌گیرند بلکه در معرض انواع آزارهای روحی و جسمی نیز قرار دارند. بی‌بی‌سی فارسی در گزارشی از وضعیت زنان کارگر در امارات با عنوان *بردگی مدرن* نام می‌برد.^۳ در بسیاری از موارد، کفیل، با ضبط گذرنامه کارگر وی را وادار به کار در ساعت‌های بیشتر می‌کند و بعضاً چندین ماه حقوق کارگر پرداخت نمی‌شود. این همان رؤیایی است که انتظار کارگران مهاجر را می‌کشد.

با نگاهی به آمار و ارقام متوجه شدیم که در امارات تنها ۱ میلیون نفر از جمعیت ۱۰ میلیونی آن، یعنی شهروندان‌اش بالای خط فقر زندگی می‌کنند. از این یک میلیون نفر نیز قریب به ۵۰۰ هزار نفر در مرزهای فقر به سر می‌برند. جمعیت ۹ میلیونی کارگران مهاجر نیز در حلبی‌آبادهایی دور از زرق‌وبرق دروغین مرکز شهر دوبی، ابوظبی، شارجه و ... در فقر و استثمار شدید به‌سر می‌برند. رؤیای کار و ثروت در آن سوی آب‌های نیلگون خلیج، سرابی است از جنس سراب‌های بیابان‌های امارات.

تیره‌روزی ایرانیان یا چی بودیم چی شدیم!

غالباً اینجا و آنجا شنیده‌ایم که ایرانیانی که روزگاری الگوی پیشرفت در منطقه بودند، امروز و به‌خاطر حکومت مشتی آخوند، ناگزیر به در یوزگی اعرابی می‌روند که روزگاری به ایران به چشم دروازه پیشرفت و

تمدن می‌نگریستند. وقتی زندگی توده‌ها به قهقرا کشیده می‌شود، وقتی که مبارزات کارگران در برابر دستبرد و استثمار طبقه سرمایه‌دار، در سرایشی ضعف و نزول قرار می‌گیرد، آگاهی و درایت کم‌رنگ می‌شود و جای آن را افسانه می‌گیرد. اگر کمی در تاریخ به عقب برویم و به وضعیت کارگران ایرانی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، نگاهی بیندازیم، یعنی روزگاری که ایرانیان، «زیر سایه شاهنشاه» می‌زیستند، می‌بینیم که آتش همان آتش بوده و کاسه همان کاسه. شاید مبالغه‌آمیز به نظر بیاید، اما حقیقت است. دولت، چه شاهنشاهی باشد و آریامهری، چه آخوندی و ولایت فقیهی، دولت طبقه سرمایه‌دار است و منافع آن جماعت را پیگیری می‌کند. تشابه بی‌بدیلی که در وضعیت ایرانیان، در سطور آینده بدان برخواهیم خورد از همین جا برمی‌خیزد.

کارگران ایرانی ساکن در شهرها و استان‌های جنوبی کشور، در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، در چنان فقر و فلاکت وحشتناکی می‌زیستند که ناگزیر بودند برای چندرغاز پول، جلائی وطن کنند و برای کار به کشورهای عربی بروند. کارگران ساکن این شهرها، بعضاً به‌خاطر تشابهات زبانی و نیز دسترسی سریع از جنوب کشور به شیخ‌نشین‌های خلیج، برای کارگری و عملگی راهی آن دیار می‌شدند. آبادانی‌ها و ساکنین خوزستان از دهه ۲۰ شمسی به این سو همواره برای کار راهی کویت می‌شدند. کار در کویت چنان فراوان‌تر از ایران شاهنشاهی بود که به‌تدریج اهالی غرب کشور از خوزستان تا کردستان، آموخته بودند که می‌توان برای یافتن لقمه نانی راهی کویت شد. کارگران بوشهر، هرمزگان و استان فارس نیز غالباً راهی بندرهای امارات می‌شدند. تعداد کارگران ایرانی در امارات چنان زیاد بود که دولت شاهنشاهی در دهه ۴۰ شمسی ناگزیر شده بود از طریق سفارتش در کویت، هیأت‌های کنسولی سیار را جهت صدور گذرنامه برای کارگران ایرانی‌ای که غیرقانونی در امارات به کار مشغول بودند ایجاد کند. به‌طور کلی، گفته می‌شد که قریب به ۴۰ درصد سکنه دومی در این سال‌ها ایرانی بودند. جالب آنکه سازمان‌های چریکی پیش از انقلاب ۵۷، که می‌خواستند گذرنامه‌های جعلی تهیه کنند، از همین امکان و نیز پوشش تعداد فراوان کارگران ایرانی در امارات، با قیافه‌های مبدل به این کشور سفر می‌کردند. لازم به ذکر است که این تنها کارگران نبودند که در دوران رژیم پهلوی برای کار به دومی می‌رفتند، بلکه در این شهر، کسبه و تجار ایرانی پر نفوذی نیز حضور داشتند، به‌نحوی که یکی از بازدیدکنندگان از این شهر می‌نویسد: «اگر فارسی می‌دانستی مشکلی نداشتی چون بخش وسیعی از کاسبکاران ایرانی بودند»^۴.

وضعیت کارگران ایران در گذشته نیز همین بوده است. یعنی که برای لقمه نانی برای خود و خانواده‌شان ناگزیر بودند که تا امارات و کویت بروند. امروز نیز وضعیت کارگران ایران همین است. خانم فرح پهلوی دروغ می‌گوید وقتی ادعا می‌کند: «کارگر ایرانی که در آن روز مغرور و مرفه بود امروز از سحر تا شام کار می‌کند». باید به این موجود حقیر و دروغگو گفت که کارگر ایرانی چه در عصر پهلوی و چه در جمهوری اسلامی از سحر تا شام کار می‌کند و باز هم سفره‌اش خالی است. پیشرفت‌های رژیم پهلوی همانقدر برای کارگران ایران دست‌آورد داشت که پیشرفت‌های هسته‌ای و فضایی جمهوری اسلامی. وضعیت کارگر ایرانی در پرتوی عنایات شاهنشاه چیز خاصی نبود که حالا در سایه مدظله بدتر شود. دولت‌های ایران همواره

دولت‌های طبقه سرمایه‌دار بوده و وضعیت کارگران در زیر سایه این دولت‌ها فرق چندانی نداشته است. اصلاً بهبود وضعیت کارگران نه در تغییر دولت‌های سرمایه‌دارانه بلکه در اقدام متحد و یک‌صدای کارگران و قدرت‌گیری ایشان است که ممکن می‌گردد.

شیخ خلیفه و شیطنت‌های منطقه‌ای

دیدیم که ادعای ریشه‌کنی فقر در امارات تنها با تغییر دادن یک‌سری تعاریف از جمعیت و فقر بود که ممکن شد. این ریشه‌کنی تنها در مورد ۱۰ درصد جمعیت کشور و تازه با لحاظ کردن توزیع شدیداً نابرابر درآمدها بود که صدق می‌کرد. همچنین دیدیم که وضعیت کارگران ایران در عصر پهلوی مشابه وضعیت معیشت کارگران در عصر جمهوری اسلامی بوده است: در جستجوی لقمه نانی آواره کشورهای خلیج می‌شوند. حال بیابید در پایان به جنبه‌های دیگر زندگی در امارات هم نیم‌نگاهی بیندازیم. دولت امارات، یک دولت استبدادی است. در تاریخ این کشور تنها یک‌بار انتخابات برگزار شده است. می‌دانیم که انتخابات در به اصطلاح آزادترین کشورها نیز دست آخر به انتخاب نمایندگان مورد تأیید طبقه سرمایه‌دار می‌انجامد. در امارات حتی این آزادی نیم‌بند نیز وجود ندارد. تشکیل هر نوع حزب سیاسی، تجمع و اعتصاب نیز در امارات ممنوع است. هرگونه اقدامات مخالفان حکومت نیز در این کشور شدیداً سرکوب می‌شود. اپوزیسیون که غالباً در تصرف هواداران اخوان المسلمین است با زندان‌های طولانی مدت مواجه می‌شوند. گزارش‌هایی نیز از شکنجه و آزار در زندان‌های این کشور وجود دارد.^۵

در کنار این موارد باید به مداخلات نظامی حاکمان امارات در کشورهای دیگر اشاره کرد. دولت امارات در جنگ عراق ۴ میلیارد دلار به دولت آمریکا کمک مالی کرده بود. این دولت در جنگ داخلی سوریه یکی از عاملان تجهیز نیروهای اسلام‌گرا جهت سلاخی مردم بیگناه آن کشور بود. همچنین در جنگ داخلی یمن در کنار ارتجاع عربستان سعودی ایستاد و مستقیماً نظامیان خود را جهت کشتار زنان و کودکان بی‌گناه آن سرزمین روانه کرد. این کارنامه سیاه حاکمانی است که با دلارهایی که از کشتار کودکان در یمن و سوریه و عراق و استثمار برده‌گون کارگران خاورمیانه و آسیای شرقی برج‌هایی پر زرق و برق ساخته‌اند و ژست دوستدار رفاه مردم می‌گیرند.

بد نیست که اشاره کنیم این کارنامه سیاه و کثیف که در فضای مجازی غسل می‌شود و به خورد مخاطب از همه جا بی‌خبر داده می‌شود، حسابی چشم کارشناسان و تحلیل‌گران باسواد ایرانی را گرفته است. تحلیل‌گران «باسواد و دانش‌آموخته اقتصاد» در ایران، که بسیار مدافع آزادی و دموکراسی هستند، زبان به مدح و ثنای خلیفه‌ای دیکتاتور و کشتارگر گشوده‌اند که «آزادی‌های اقتصادی و رفاه» را برای مردمش به ارمغان آورده است. از جمله روزنامه ضد کارگری دنیای اقتصاد، که سابقه‌ای طولانی در حمایت و توجیه سیاست‌های ضد کارگری دولت‌های ایران دارد، در گزارشی با عنوان «بیابانی که قطب توسعه در خاورمیانه شد!» پس از مدح و ثنای دراز و طویل حاکم مستبد امارات و به نقل از نیویورک تایمز (!!) می‌نویسد: «شیخ

خلیفه بر این بود تا برنامه‌های‌اش برای رفاه مردمان کشورش در عمل نمود یابد ... حکمرانی شایسته با نخبگانی به دست می‌آید که درک درستی از وضعیت و جایگاه کشور خود داشته باشند».

خوب ظاهراً این کارشناسان و تحلیل‌گران چنین نخبگانی را برای کارگران ایرانی آرزو می‌کنند: قصاب‌هایی استثمارگر که برج و بارو می‌سازند تا پُزش را در رسانه‌های جهان بدهند. ما کارگران نباید فریب چنین دروغ‌پردازی‌هایی را بخوریم. آنچه می‌توان از کارگرانی که برای کار به امارات مهاجرت کرده‌اند، آموخت جنبه‌ای دیگر از زندگی این کارگران است: تشکل و وحدت طبقاتی. اخیراً در امارات متحده رانندگان شرکت‌های تحویل کالا در اعتراض به کاهش دستمزدها، دست به اعتصاب زده‌اند. آن هم در کشوری که اعتصاب در آن ممنوع بوده و جرمی است تحت عنوان اقدام علیه دولت.^۱ این همان چیزی است که می‌توان و باید آموخت.

پانویس‌ها

^۱ <https://wid.world/country/united-arab-emirates>

باید توجه داشت که این آمار بدون کسر مالیات بر درآمد است. احتمالاً اگر آن درآمدها با کسر مالیات نیز محاسبه شود، چهره زمخت فقر در امارات بیشتر خود را به ما نشان خواهد داد. نکته جالب آنکه، طبق آمار و ارقام این درگاه برای ایران، درآمد میانگین سالانه در ایران ۱۲۰۰۰ دلار در سال است. نکته جالب در اینجا است که درصد توزیع ثروت در ایران نیز کاملاً مشابه امارات متحده عربی است. در ایران نیز ۵۵ درصد از کل درآمدهای سالانه در اختیار ده درصد از ثروتمندان جامعه است و نیمی از جمعیت ایران، تنها ۱۰ درصد از این درآمدها را دریافت می‌کنند، یعنی سالانه ۱۲۰۰ دلار (معادل ۳۶ میلیون تومان در سال).
^۲ رادیو فردا در گزارشی تصویری به وضعیت این مهاجران در امارات پرداخته است. بنگرید به: فقر در سایه آسمان خراش‌ها، رادیو فردا، ۷ اردیبهشت ۱۳۸۹.

^۳ زنان کارگر خانگی مهاجر در خاورمیانه؛ برده‌داری مدرن تحت نظام "کفاله"، بی‌بی‌سی فارسی، ۱۸ اسفند ۱۳۹۹. در این گزارش به موارد تکان دهنده‌ای از زنانی برمی‌خوریم که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند اما هیچ امکانی برای شکایت و اعاده حقوق از کارفرما نداشته‌اند چرا که امکان حبس و شلاق برای ایشان وجود دارد.

^۴ از فیضیه تا پیکار، تراب حق‌شناس، صفحه ۲۱۸.

^۵ محکومیت شصت اسلام‌گرا در امارات به اتهام توطئه برای سرنگونی دولت، بی‌بی‌سی فارسی، ۱۱ تیر ۱۳۹۲. موارد خنده‌داری از نقض آزادی و حقوق بشر نیز در این کشور وجود دارد. از جمله می‌توان به ممنوعیت بوسه در اماکن عمومی اشاره کرد که می‌تواند به اخراج از کشور منجر شود. بنگرید به: Public Kissing Can Lead to Deportation, NationalNews, ۷ JUL ۲۰۰۸.
^۶ نگرید به: اعتصاب کم سابقه در دبی در اعتراض به کاهش حق‌الزحمه، میدل ایست نیوز، ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱.